نگاه

تعجیل در قانون‌گذاری

تشدید قانون مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی

حامد اکبری
حقوق‌دان

در این روزها و پس از حمله و تجاوز ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی در ۱۲ روز، طرح تشـدید مجازات جاسوسـان و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی در مجلس شورای اسلامی به صورت دوفوریتی مطرح و با اکثریت مطلق آرای نمایندگانی که مع‌الاسف همه آنها حقوق‌دان نیستند، تصویب شده است. همان‌طور که پیش‌تر در تقنین دیگر قوانینی که به صورت شتاب‌زده مصوب شده است، ایرادات فراوانی وجود داشـته، در این قانون جدیدالتصویب نیز ایراداتی وجود دارد که صرفا برای تعجیل در قانون‌گذاری اسـت. متأسـفانه در برخی از موارد، نهاد قانون‌گـذاری برای رفع موقت مشکلات و معضلات پیش‌آمده، به صورت دستپاچه، با عنوان طرح دوفوریتی قوانینی را بدون توجه به عواقب آن برای مردم و دیگر دسـتگاه‌های قضائی، نظارتی و اجرائی مصوب می‌کند که آفات آن تصویب، سـال‌ها بعد نمایان می‌شود. نمونه این تصویب شـتاب‌زده، قانون کاهـش مجازات حبس تعزیری مصوب سـال ۱۳۹۹ اسـت که با انتقادهای فراوان حقوق‌دانان روبه‌رو است.

در رابطـه با قانون جدیدالتصویب نیز علاوه بر حقوق‌دانان، کارشناسـان و فعالان حقوق بشـر، جامعه‌شناسـان هم انتقادهایی وارد کرده‌اند؛ چراکه در این طرح دامنه تعریف فعالیت‌های مجرمانه امنیتی گسـترده بوده و مجازات‌های سـنگینی ازجمله اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت برای طیف وسـیعی از فعالیت‌ها در نظر گرفته شده اسـت. علاوه بر آن، در برخی مصادیق، عطف به ماسـبق شدن قوانین به ضرر مجرم و مرتکـب، خود جای تأمل دارد. براسـاس مواد ۵۰۱ و ۵۰۲ قانون مجازات اسـلامی، جاسوسی عبارت اسـت از جمع‌آوری و انتقال اطلاعات طبقه‌بندی‌شده به دولت‌های بیگانـه یا اقدام به ضرر کشـور، با مجازات حبس از دو تا ۱۰ سـال و در صورت اخلال در امنیـت ملی با مجازات اعدام همراه اسـت. درحالی‌که در این مصوبه دایره واژگان گسترده‌تر شده و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده جایگزین «هرگونه فعالیت و ارتباط با آمریکا» شـده است. تجربه نشـان داده هرجا قانون‌گذار از کلمه «هر» استفاده کرده است، به علت عام‌الشمول‌بودن این کلمه، در آینده با مشکلات فراوانی مواجه شده‌ایم؛ ازجمله مشکلات قضائی در تفسیر قضائی قضات و... . تصویب این طرح می‌تواند به محدودیت بیشتر آزادی‌های مدنی و آزادی بیان منجر شود و فضای سیاسی کشور را بیش از پیش محدود کند و بهانه‌ای برای هرگونه برخورد با مخالفان شود. برای مثال، فعالیت‌هایی که به‌طور سنتی به‌عنوان جاسوسی تلقی نمی‌شوند، حال مصداق جاسوسی و افساد فی‌الارض اسـت و در دایره شـمول این قانون قرار دارد؛ مانند شـرکت در تجمعات یا فعالیت‌های رسـانه‌ای. در این قانون، مجازات‌های سـنگینی برای جرائم جاسوسـی در نظر گرفته شـده است که شخصا با تشـدید تمامی مجازات‌ها در تمام حیطه‌های جزائی موافق هستم و مخالف صریح قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری بوده و هستم، اما تشدید مجازات با افزایش گستره شمول مجازات‌ها امری نگران‌کننده است. مجازات‌های در نظر گرفته‌شده برای جاسوسی در این طرح، به‌ویژه اعدام فرد جاسوس و مخل امنیت داخلی، امری اسـت بجا و صحیح، اما وقتی شـمول گسترده فعالیت جاسوسـی به‌ویژه «هرگونه فعالیت و ارتباط با کشـور آمریکا یا رژیم صهیونی اعم از مالی، اقتصادی، فناورانه و...» مطرح می‌شـود، قطعا موجبات صدور آرای ناعادلانه را فراهم می‌آورد. علاوه بر آن، این مجازات‌ها با اصول حقوق بشر نیز تا حدودی منافات دارد. از منظری دیگر، این طرح به‌طور کلی آزادی‌های مدنی و بیان را محدود می‌کند. با توجه به تعریف گسترده جاسوسی و مجازات‌های سنگین، افراد ممکن است از ابراز نظـر و فعالیت‌های مدنی خودداری کنند و ایـن امر می‌تواند به کاهش پویایی فضای سیاسی و مدنی در کشور و عدم پویایی ذهن نسل‌های آینده منجر شده و خط قرمزهای سـاختگی در ذهن آنها مخل روابط بین‌الملل در آینده شود؛ چراکه در تعریف هرگونه همکاری با کشـورهای متخاصم ابهامات و کلی‌گویی‌هایی وجـود دارد. در این طرح به همکاری با کشـورهای متخاصم اشاره شـده، اما تعریف روشنی از این مفهوم ارائه نشـده اسـت و این ابهامات می‌تواند منجر به سوءاسـتفاده از این مفهوم و برخورد با افراد و گروه‌هایی شـود کـه با دولت‌های خارجی در ارتباط هسـتند، اما فعالیت‌های مجرمانه‌ای انجام نمی‌دهند. به‌طور کلی جاسوسی امری قبیح و فرد جاسوس و مخل امنیت داخلی از همه نظر می‌بایسـت به اشـد مجازات و حتی اعدام محکوم شـود. لزوم مقابله با جاسوسی امری بدیهی و انکارنشدنی است و از سمتی دیگر بازدارندگی مجازات‌ها مهم‌ترین اصل در تقنین هر قانونی است که باید در نظر گرفته شود و تشدید مجازات‌ها همیشـه بر این مهم صحه می‌گذارد. بااین‌حال، تمام این موضوعات مهم به بهانه حفاظت از منافع ملی نمی‌تواند ما را به دفاع از قانونی معیوب سـوق دهد. به‌طور کلی، قانون تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی مصوب دوم تیر ۱۴۰۴، یک قانون بحث‌برانگیز و معیوب است که می‌شد در زمان بهتری به صورت کارشناسانه‌تر، صریح‌تر و صحیح‌تر به تصویب برسد.

معضل مهاجران افغانستانی

محصول مدیریت ناکارآمد

محمدهادی جعفرپور
وکیل دادگستری

امـان از افراط و تفریط، امـان از آنان که میانه ندارند، یا از این طرف بـام یا آن طرف بام می‌افتند و این آفتی اسـت که در مسـائل مختلف گریبان جامعه ایرانی را می‌فشـارد، فرقی هم نمی‌کند جنس و نوع آن مسئله چه باشد، مهم واکنش‌هایی است که غالبا نه از سر منطق بلکه مبتنی بر احساسات رقم می‌خورد و دلیل عمده آن هم در تصمیم‌های بالادستی اسـت؛ آنجا که مسـئولان مملکت بدون توجه به خواست و میـل مردم اقدام بـه اتخاذ تصمیماتی کرده یـا برنامه‌هایی را بدون توجه به ظرفیت فکری یا توان اقلیمی کشـور یـا مقوله‌های فرهنگی جامعه به اجرا درمی‌آورند و این‌گونه است که خروجی چنین برنامه و تصمیماتی شکست و پشیمانی است.

مصداق‌ها و مثال‌های فراوانی می‌توان به‌عنوان شاهد این ادعا آورد که نه در قوه مقننه و نه در سـایر دسـتگاه‌های اجرائی و تصمیم‌ساز کشـور آنچه مهم نیست و مورد توجه یا تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرد، خاستگاه و تمنیات مردم است.

مدیران بالادسـتی کشـور در بدنه حکومت بـدون توجه به نیازهـای واقعی مردم و مقتضیـات جامعه ایرانی صرفـا در خیال عملیاتی‌کردن ادعاهـا و ایده‌های خام و بدون کارشناسـی قلم انشا برداشته و آنچه را به ذهنشان می‌رسد، کمترین مطالعه‌ای به هیبت دسـتوری الزام‌آور درمی‌آورند و آنچه را خلق کرده‌اند به امـان خدا رها می‌کنند تا روز و روزگاری که تالی فسـاد و مصائـب آن تصمیم یقه جامعه و افراد ملـت ایران را بگیرد.

تأسـف‌آور آنجاسـت که چنین وضعیتی برای حضرات اهمیتی نداشـته مگر آنکه تلنگری از آن مصائب به گوشـه‌ای از رخت و لباس آقایان بگیرد؛ آنگاه اسـت که پس از آسمان‌ریسـمان بافتن‌های عجیب با ژستی مظلومانه، تبعات آن تصمیمات را نوعی اسـتثنا تلقی کرده یا حدوث چنین حادثه‌ای را متوجه «دولت قبل» می‌کنند یـا رخ‌دادن چنیـن فاجعـه‌ای را تمامـا گردن «دشـمن خارجی» می‌اندازند و در این میان یک پـای تقصیر به جامعه و عـدم صبر و همکاری مـردم متصـل می‌شـود. این چرخـه معیوب در سـال‌های اخیـر در قبال مسـئله مهاجران افغانسـتانی به وضوح دیده شـده و این روزها بیشتر دیده می‌شود.

سال‌هاسـت که موج‌های پیاپی مهاجرت از افغانسـتان به دلایل گوناگـون -اعـم از جنگ، فقـر، ناامنـی و افراط‌گرایـی مذهبی- به سـمت ایران سـرازیر شـده، اما آنچه از دولت‌ها و نهادهـای ایرانی دیده‌ایم، چیزی جز تصمیم‌گیری‌های احساسـی، هیجانی و بی‌برنامه نبوده اسـت. یک روز با شعارهای انسان‌دوسـتانه، بی‌محابا مرزها را می‌گشـایند، بدون آنکه زیرساخت‌های آموزشـی، بهداشتی، شهری و اجتماعی کشـور آمادگی جذب این جمعیت را داشته باشد؛ روز دیگر، با فضاسازی‌های رسانه‌ای و سیاسی، تمام مهاجران را به چشم تهدید می‌نگرند و آنان را یکسـره مقصر تمام معضلات جامعـه معرفی می‌کنند. این افراط‌ها و تفریط‌ها نه‌تنها کمکی به حل معضل مهاجرت نکرده، بلکه به تشـتت اجتماعی، افزایش نفرت‌پراکنی و گسترش تبعیض در جامعه انجامیده است. در این میان، مهاجر افغان -چه آن کسـی سـال‌ها در این خاک زیسته و کار کرده و چه آن کس که تازه‌وارد است- همواره در بلاتکلیفی و بی‌هویتی معلق مانده اسـت. نه شـهروند محسوب می‌شود که از حقوق ابتدایی برخوردار باشـد، نه میهمان محترمی اسـت که با کرامت از او پذیرایی شود، بلکه بدل به سیبلی شده است که هرگاه نظام تصمیم‌گیری کشور دچار ناکامی می‌شود، انگشت اتهام را به سـمت او می‌گیرد تا از خود سلب مسئولیت کند. بی‌توجهی به سیاست‌گذاری مهاجرتی مبتنی بر داده‌های دقیق، نیازسـنجی اقلیمی و ظرفیت‌سـازی فرهنگی موجب شـده امروز با جامعه‌ای مواجه باشیم که در آن شکاف میان «میزبان» و «مهاجر» هر روز عمیق‌تر می‌شود. جوان ایرانی با حس تبعیض در اشـتغال و رفاه دسـت‌وپنجه نرم می‌کند و جـوان مهاجر، زیر فشـار بی‌هویتـی، تحقیر و طردشـدگی روزگار می‌گذرانـد و این نه عدالت اسـت و نه تدبیر. بنابراین آنچه جامعه ایران در مسـئله مهاجرت افغان‌ها نیاز دارد، نه حذف و طرد و نه پذیرش بی‌برنامه، بلکه سیاست‌گذاری هوشـمندانه، انسـانی و مبتنی بر مصالح ملی اسـت. راه میانه، همان حلقه مفقوده‌ای است که در غبار شـعارها و تصمیمات شتاب‌زده گم شـده است. تا زمانی که نگاه‌ها از احساسات به سـمت عقلانیت و مطالعات واقعی سوق داده نشود، همچنان باید شـاهد تکرار شکست‌ها و افزایش شکاف‌های اجتماعی باشیم.

عکس: مهدی قربانی، ایرنا

مهاجرت لجام‌گسیخته یا هجرت برنامه‌ریزی‌شده؟

نگاهی امنیتی به موج مهاجران افغانستانی

فرشید زارعی

در سـال‌های اخیر، جمهوری اسـلامی ایران با موج گسـترده‌ای از ورود مهاجران افغانسـتانی، به‌ویژه پس از سـقوط کابل و تحکیم قدرت طالبان، مواجه شده است. آنچه در ظاهر، یک بحران انسانی و مسئله صرفا پناه‌جویی به نظر می‌رسد، در لایه‌های زیرین خود، ابعاد امنیتی، فرهنگی و اجتماعی پیچیده‌ای دارد که نادیده‌گرفتن آن می‌تواند به شکاف‌هایی عمیق در نظم ملی منجر شود.

بی‌تردیـد بخش زیادی از مهاجران افغانسـتانی، مردمانی مظلوم و رنج‌دیده هسـتند که برای نجات جان و معیشت‌شـان، از سرزمین سوخته‌شـان فرار کرده‌اند. اینان همان کارگرانی هسـتند که در پروژه‌های عمرانی، بخش کشـاورزی و حتی در خانه‌های ایرانیان، نقشی مؤثر و بی‌ادعا ایفا کرده‌اند. شـخصا با سـه برادر افغان آشنا هستم که هر سه سال‌هاست در ایران زندگی می‌کنند. دو نفر از آنها، سـاده، شریف و زحمتکش هسـتند. نان‌شان را با بیل و کلنگ درمی‌آورند، با کمترین توقع و بیشـترین نجابت. اما سومی، همان که وضع مالی بهتری دارد، نه‌تنها کار نمی‌کند، بلکه سر برادرانش هم کلاه می‌گذارد. همین تضاد، نشان می‌دهد که هیچ جامعه‌ای یکدسـت نیست و هیچ‌کس را نمی‌توان تنها با یک عنوان (مهاجر، افغان، پناهنده) قضاوت کرد.

در چنین شـرایطی، یکی از اشتباهات راهبردی ما، تمرکز افراطی برخی مسئولان محلی بر آمار خروج مهاجران از مرزهاسـت؛ بدون هیچ توجهی به اینکه چه کسانی خارج می‌شوند و چه کسانی همچنان در خاک ایران باقی می‌مانند. آیا نیروهای آموزش‌دیده و خطرناک، مرز را ترک می‌کنند یا فقط کارگران بی‌پناه‌اند که از کشـور اخراج می‌شـوند؟ بازی در زمین آمارهای خوشحال‌کننده، بدون دقت در کیفیت داده‌ها، همواره یکی از نقاط ضعف ما بوده است.

واقعیـت تلخ‌تر آنجاسـت که هنگام خروج اتبـاع غیرمجاز یا حتی مجاز افغانسـتانی از کشـور، هیچ نظام مشخص و سـازمان‌یافته‌ای برای بررسی سوابق امنیتی، فعالیت‌های مالی یا حتی ارتباطات مشـکوک آنها وجود ندارد. یک مهاجر می‌تواند سال‌ها در ایران زندگی کند، در کسـب‌وکارهایی فعالیت داشـته باشـد که رد مالی آنها شفاف نیست، با شبکه‌هایی در تماس باشد که ریشه در آن سوی مرز دارند و حتی در حوادثی مثل سـرقت، قاچاق یا ناامنی نقش داشته باشد، اما به‌سادگی تصمیم بگیرد کشور را ترک کند، بدون آنکه کسی بپرسد در این سال‌ها چه کرده‌ای و چه برده‌ای.

چنیـن گلوگاهی، اگر بدون تدبیر باقی بماند، به فرصت طلایی برای فرار عوامل مشـکوک بدل می‌شـود؛ عناصری که ممکن است مأموریت‌شـان در ایران به پایان رسیده باشد و اکنون بدون کوچک‌ترین بررسی یا بازخواستی خاک کشور را ترک می‌کنند.

این‌همه، به این معنا نیست که باید با چوب بی‌اعتمادی به جان مهاجران افتاد. راه درست، نه در نفی کامل مهاجرت اسـت و نه در بازگذاشـتن بی‌حدومرز مرزها، بلکه نیازمند نظامی هوشـمند و چندلایه برای راستی‌آزمایی، شناسـایی و پالایش ورودی‌ها و خروجی‌ها هستیم. بایـد بتوانیم میان پناه‌جوی حقیقی و مأمور مخفی، میان کارگر و قاچاقچی، میان زن درمانده و عنصر مشکوک، تمایز قائل شویم.

راه‌حل‌ها نیز چندان پیچیده نیسـتند؛ از استقرار ایستگاه‌های شناسایی اطلاعاتی در مبادی خروجـی گرفته تا ایجاد پایـگاه داده دقیق از مهاجـران و همکاری منسـجم بین نهادهای اطلاعاتـی، انتظامـی، قضائـی و حتـی وزارت کار. همچنین می‌تـوان سـازوکار «خروج با راسـتی‌آزمایی» را برای برخی افراد خاص تعریف کرد؛ کسانی که طی اقامت خود هیچ‌گونه سابقه روشنی از سکونت، اشتغال یا تعاملات‌شان ثبت نشده است.

در کشـوری که هم‌زمان بـا بحران‌های اقتصادی، فرهنگی و... دسـت‌وپنجه نرم می‌کند، سـاده‌انگاری در موضوعی به این حساسـی می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشـد. ما باید با حفـظ کرامت انسـانی مهاجران، هم‌زمان مراقب باشـیم کـه دروازه‌های سـرزمین‌مان را بـه روی ناامنی و نفوذ بـاز نگذاریم. امنیت ملی، با احساسـات خام تضمین نمی‌شود، بلکه با عقل، تدبیر و ساختار تضمین می‌شود.

دریچه

فرزندان ناامن

کودکانی که آینده را بدون نقطه اتکا تصور می‌کنند

سیدمهرداد بنی‌هاشـمی کهنگی: در یکی از کلاس‌های ابتدایی در جنوب کلان‌شهر، معلم از دانش‌آموزان می‌پرسـد «دوست دارید در آینده چه‌کاره شـوید؟» پاسـخ‌ها نگران‌کننده‌انـد. برخـلاف سـال‌های نه‌چنـدان دور کـه رؤیـای پزشک‌شـدن یـا خلبانـی در میان بـود، امـروز اغلب دانش‌آموزان پاسـخی مبهم یا فرسـوده می‌دهنـد: «کار پیدا کنم»، «بـرم خارج» یا حتـی «فقط زنـده بمونم». ایـن تغییر در رؤیاهای نسـل کودک و نوجوان ایرانی صرفا حاصل فشار اقتصادی نیست، بلکه نشـانه عمیق‌تری از فقدان امنیت روانی و اجتماعی ساختاریافته است.

کودکی در سایه ناامنی

نسـل جدیدی از کـودکان در ایران، در فضایی رشد می‌کند که مؤلفه‌های امنیت از آمـوزش پایـدار گرفته تا امیـد به آینده در حـال فرسـایش‌اند. بحران معیشـت، ناپایـداری در سیاسـت‌گذاری آموزشـی، ضعف در نظام مشاوره‌ای و اضطراب‌های دائمـی اجتماعی، کودک ایرانی را به جای پرورش خلاقیت، به سـوی سـکوت، انزوا یا پرخاشـگری سوق داده است. طبق آمار غیررسمی ارائه‌شـده از طرف برخی مراکز مشاوره، میزان مراجعات کودکان دبستانی با نشـانه‌های اضطراب مزمن، در دو سال گذشته افزایشی چشمگیر داشته است.

خانواده‌هایی که خود ناامن هستند

خانـواده به‌عنـوان نخسـتین نهـاد اجتماعی، زیر فشـار بحران‌های اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای، گاه دیگر توان حمایت روانی از فرزند را نـدارد. والدینی که میان چند شغل جابه‌جا می‌شوند یا خود درگیر آسـیب‌های ثانویـه (مانند اعتیـاد پنهان یا افسـردگی اقتصادی) هسـتند، چگونه می‌توانند امنیـت روانی فرزندان‌شـان را تضمین کنند؟

بحران نادیده‌گرفته‌شده در سیاست‌گذاری

سیاسـت‌گذاران کشـور عمدتـا نگاه کنترلـی یـا کالایـی بـه کـودک دارنـد؛ یـا او را صرفـا سـرمایه انسـانی آینـده می‌داننـد یـا موجـودی نیازمنـد کنترل. نـگاه انسـانی و چندبُعدی به کـودک، با مشـارکت جامعه‌شناسـان، روان‌شناسان و خـود کودکان، هنـوز جایگاهی در نظام تصمیم‌سازی ندارد.

فردایی که کودکش امید ندارد، خود را بازتولید نمی‌کند

امـروز اگر کودک ایرانـی نتواند با خیال راحت رؤیا ببافد، فردای جامعه به رؤیاهای مصرف‌زده یا مهاجرت‌زده بدل خواهد شد. ما نه با بحران آموزش، بلکه با بحران تخیل مواجهیـم؛ و جامعه‌ای که تخیل نداشـته باشد، نمی‌تواند آینده‌ای بسازد.

بازنگری درسیاسـت‌های کودک‌محور، سرمایه‌گذاری در سـلامت روان و پرورش نسـلی که بتوانـد بدون وحشـت از فردا، امـروز را زندگی کند، یک انتخاب نیسـت بلکه ضرورتی است که از کف می‌رود.

جدول ۵۰۹۱ طراح: بیژن کورانی

افقی:

۱- نویسنده آمریکایی رمان سپیددندان- رودی در عراق- قدر و منزلت ۲- اشـتهار- آسـودگی- دریغ ۳- مخفف اگر- قصه بردارشدن او را بیهقی روایت کـرد- فراخواندن ۴- رتبـه نایب‌قهرمان- روند افزاینده و نامنظم قیمت‌ها- بی‌نظیر ۵- برق را از کوئل به دلکو می‌رسـاند- وقـت و هنگام- مجموعه‌داستانی نوشته منیرو روانی‌پور ۶- از بالا به پایین دید داشـتن- مربوط به کیفیت- میوه‌ای از خانـواده مرکبات ۷- زندانیـان جنگی- ورزش یـخ و چمن- سرسـرا ۸- بله روسـی- مقدس و ممنوع- دیرینگی- قدم یکپا ۹- پرنده‌ای از راسته شـکاریان- نماهنگ- نحیف و نـزار ۱۰- فرزند به زبان کردی- سرباز روس تزاری- خرمگس معرکه ۱۱- موهوم- درختی با برگ‌های پنجه‌ای- از آفات درختان میوه ۱۲- از علائم مسـمومیت ناشـی از مارگزیدگی است- طالع- ورزش آبی ۱۳- تندی و تیزی- آینده‌نگر- مذکر ۱۴- زینک- جرقه آتش- از تیم‌های باشـگاهی فوتبال ایتالیا ۱۵- باغ حضرت فاطمه(س)- آبی تیره- تندرستی

عمودی:

۱- از داستان‌های شاهنامه فردوسی- بزرگواری ۲- حمام خودروها- مسـجدی در دمشق- رمانی نوشته ایوان تورگنیف روسـی ۳- تکیه بر پشتی- فانی و ناپایدار- ارتجاعی ۴- شیخ‌الانبیا- مستقیم- میوه‌ای هسـته‌دار ۵- صحیح- لباس رسـمی و تشـریفاتی- پروردگار ۶- استانی در شمال عراق- فیلمی سـاخته نرگس آبیار- مزاح ۷- سـایه‌بان درشـکه- اجازه ورود به کشـور خارجی- قاعده ۸- سـفله- اصرارکـردن ۹- معمـا- دورویی- معجـزه ختمیه ۱۰- جانـور تک‌سـلولی- صادق و صمیمی- منطقه‌ای در اسـپانیا که چندین قرن تحت حاکمیت مسـلمانان بـود ۱۱- سـهیم‌کردن- کبوتر دشـتی- ماده روان با شـکل متغیر ۱۲- کم‌پشـت- غزل‌سـرایی- زمسـتان ۱۳- آمارگیـری- امپراتوری آلمان- باد سرد ۱۴- جاده آهنی- نیستی و فنا- قصد خیرخواهانـه ۱۵- بی‌مهری به معشـوق- کاشـف انگلیسی گردش خون

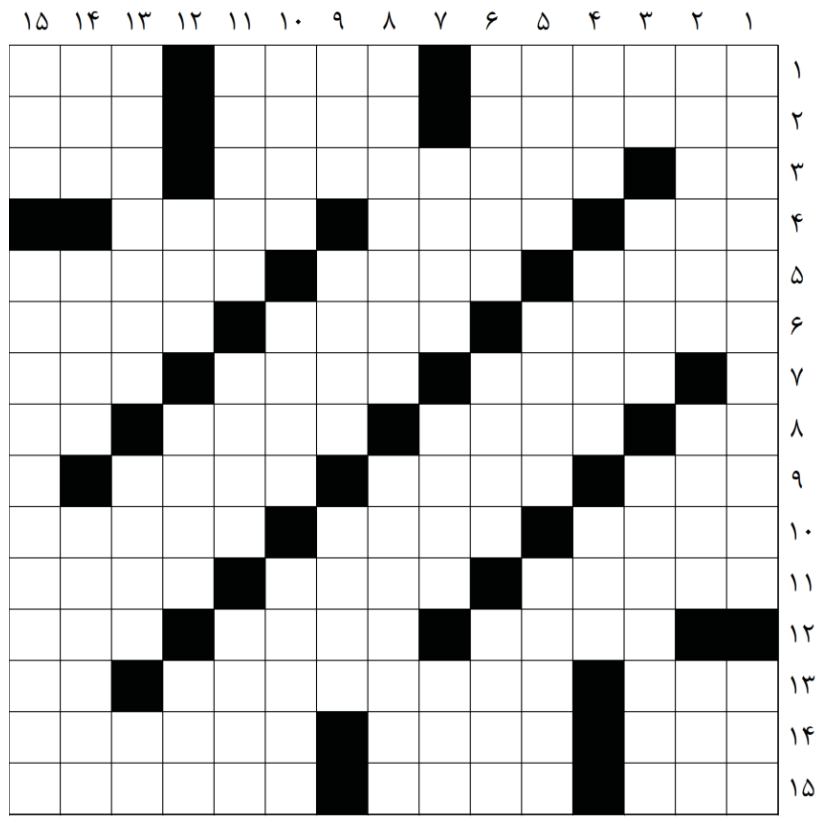

حل سودوکو ۴۰۸۶

۸	۷	۴	۹	۳	۶	۵	۲	۱
۶	۲	۵	۸	۱	۴	۳	۹	۷
۱	۹	۳	۵	۷	۲	۶	۴	۸
۴	۵	۶	۲	۹	۱	۸	۷	۳
۹	۸	۷	۴	۶	۳	۲	۱	۵
۳	۱	۲	۷	۵	۸	۴	۶	۹
۲	۴	۹	۱	۸	۵	۷	۳	۶
۷	۳	۸	۶	۲	۹	۱	۵	۴
۵	۶	۱	۳	۴	۷	۹	۸	۲

۸	۴	۵	۶	۳	۲	۱	۹	۷
۳	۹	۱	۷	۸	۵	۶	۲	۴
۷	۶	۲	۴	۱	۹	۵	۳	۸
۶	۳	۴	۹	۲	۷	۸	۵	۱
۱	۵	۹	۸	۶	۳	۷	۴	۲
۲	۷	۸	۱	۵	۴	۳	۶	۹
۴	۲	۶	۳	۷	۸	۹	۱	۵
۵	۸	۳	۲	۹	۱	۴	۷	۶
۹	۱	۷	۵	۴	۶	۲	۸	۳

حل جدول ۵۰۹۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	د	م	■	ا	ف	ت	ع	ا	ل	■	ل	ط	م	ه
۲	ا	س	ت	ا	د	ی	و	م	■	ب	ا	ب	ل	س	ر
۳	م	ت	ک	ی	■	ک	ت	ی	م	■	ر	و	ا	ی	ک
۴	■	د	ا	ن	ک	و	■	ق	ی	چ	ک	■	ی	ر	ا
۵	س	س	■	ک	و	س	ن	■	و	ا	س	ط	ه	■	ر
۶	ا	ت	ح	ا	د	■	ژ	و	پ	ی	ت	ر	■	ز	ه
۷	ب	ک	ا	■	ک	ن	ا	ر	■	م	ر	ف	ی	ن	■
۸	ا	ر	ی	ب	■	ه	د	ا	ی	ا	■	ه	ا	ن	ی
۹	■	د	ل	ر	ب	ا	■	ث	ا	ن	ی	■	ت	ا	ک
۱۰	ز	ن	■	د	ا	ن	س	ت	ن	■	ت	م	ا	ش	ا
۱۱	ا	■	ک	ن	ی	ز	و	■	ه	م	ی	ن	■	ن	ن
۱۲	پ	س	ر	■	ز	ا	د	ه	■	ه	م	ا	ن	ا	■
۱۳	ا	ی	ا	د	ی	■	ن	م	ن	م	■	ف	ا	خ	ر
۱۴	ت	ر	ک	ی	د	ن	■	ا	ک	و	س	ی	س	ت	م
۱۵	ا	ه	ر	م	■	س	و	ن	ا	م	ی	■	ا	ه	ل

سودوکو سخت ۴۰۸۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲			۴			۵		
۹		۸	۳					
۶		۴		۱				
	۱	۲		۸				
		۶	۲		۱	۴		
				۴		۲	۳	
				۷		۶		۸
					۴	۳		۹
		۹			۵			۴

سودوکو ساده ۴۰۸۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۸	۷		۲			۳		۹
		۲		۳	۶	۴		۸
					۸			
۲				۵				
۵		۴	۳		۷	۹		۶
				۲				۳
			۱					
۱		۹	۸	۶		۷		
۷		۳			۲		۸	۵